

کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق

(قسمت آخر)

دکتر حسین یکتا^(۱)

کرد تا هیئت کارشناسی دیگری به منطقه اعزام شود. بدین ترتیب، دکتر مانوئل دومینگوئز، یکی از چهار کارشناس قبلی، مأمور بازدید و معاینه مصدومان شیمیایی که تعدادی از آنها در بیمارستانهای اروپایی تحت درمان بودند، شد. وی از ۱ تا ۵ ماه آوریل از مصدومان شیمیایی بازدید کرد و در ۸ این ماه، گزارش خود را به دبیرکل ارائه داد. در نتیجه‌گیری گزارش وی آمده بود: «(۱) سلاح‌های شیمیایی در خلال ماه مارس تا ماه آوریل سال ۱۹۸۵ در جنگ ایران و عراق به کار گرفته شده است؛ و (۲) طبق گفته بیشتر بیماران، حمله به صورت بمباران هوایی بوده است.»^۵ دبیرکل گزارش کارشناس اعزامی را همراه با نامه‌ای که در آن، اتهام عراق مبنی بر حمله شیمیایی علیه نیروهای ایرانی تأیید شده بود، به شورای امنیت فرستاد. شورای امنیت نیز در ۲۵ ماه آوریل (۶ اردیبهشت ماه) تشکیل جلسه داد و با صدور بیانیه‌ای، با ابراز نگرانی از اینکه در جنگ ایران و عراق سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایرانی به کار گرفته شده و با یادآوری بیانیه ۳۰ ماه مارس سال ۱۹۸۴، (۱۰ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۳) استفاده مکرر از سلاح‌های شیمیایی و کاربرد احتمالی این سلاح‌ها را در آینده قویاً محکوم کرد و رعایت پروتکل ۱۹۸۵ ژنو و تمامی جنبه‌های حقوق انسانی در جنگ را خواستار شد. در این بیانیه، همچنین، پایان مخاصمات و حل کامل، جامع، عادلانه و شرافتمندانه مسائل مورد اختلاف بین دو کشور نیز درخواست شده بود.^۶ با وجود این، شورای امنیت بار دیگر، از عراق به عنوان به

در قسمت پیش، یادآور شدیم که حملات گسترده شیمیایی عراق علیه نیروهای ایران در زمستان سال ۱۳۶۳ در منطقه عملیاتی بدر، سبب شد تا جمهوری اسلامی ایران طی درخواستی از دبیرکل سازمان ملل، اعزام یک هیئت کارشناسی را درخواست کند.^۱ در پاسخ به درخواست ایران، دبیرکل به ابتکار خود و پس از مشورت با اعضای شورای امنیت، طرح ۸ ماده‌ای را تهیه و در بازدیدی که در ماه آوریل سال ۱۹۸۵ (فروردین ماه سال ۱۳۶۴) از تهران و بغداد داشت، به دو کشور ارائه داد. بر اساس بند ۴ این طرح، هر دو دولت ایران و عراق موظف شدند پیش از ۱۸ ماه آوریل سال ۱۹۸۵ (۱۹ فروردین ماه سال ۱۳۶۴) از مجاری محرمانه، تعهد خود را با رعایت ضوابط مندرج در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در مورد منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی به دبیرکل اعلام کنند؛^۲ درخواستی که جمهوری اسلامی ایران بدان پاسخ مثبت داد و آمادگی خود را برای همکاری در این ارتباط اعلام کرد و عراق با ابراز بهانه‌هایی از پذیرش آن خودداری نمود^۳ و دقیقاً، از روز ۱۹ فروردین ماه، موج جدیدی از حملات شیمیایی را علیه نیروهای ایران از سرگرفت و تا آخر این ماه، حدود نوزده بار مناطق عملیاتی بدر و خیبر را هدف گلوله باران و بمباران شیمیایی قرار داد که در نتیجه آن، حدود ۱۶۵۰ نفر از نیروهای ایرانی مجروح و ده تن از آنها شهید شدند.^۴ در پی این حملات، جمهوری اسلامی ایران بار دیگر، از دبیرکل درخواست

(۱) عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

اقدامی که تا آن زمان بی سابقه بود.^{۱۰}

در پی این حملات، جمهوری اسلامی ایران در ۲۵ بهمن ماه سال ۱۳۶۴ (۱۴ فوریه سال ۱۹۸۶) با اعلام اینکه عراق بار دیگر از سلاحهای شیمیایی در جبهه های جنگ استفاده کرده است، با اصرار از سازمان ملل خواست تا هیئت تحقیقی را به محل اعزام کند. در این مرحله، گستردگی استفاده عراق از گازهای شیمیایی به حدی بود که ایران تهدید کرد اگر در این مورد، سازمان ملل و شورای امنیت تدابیری اتخاذ نکند، ایران به مقابله به مثل متوسل خواهد شد.^{۱۱} بدین ترتیب، اعضای شورای امنیت در ۲۴ ماه فوریه سال ۱۹۸۶ (۵ اسفندماه سال ۱۳۶۴) تشکیل جلسه دادند و قطع نامه ۵۸۲ را به تصویب رساندند و در بند ۲ قسمت اجرایی آن، از نقض حقوق انسانی در جنگ ایران و عراق، به ویژه استفاده از سلاحهای شیمیایی مغایر با پروتکل ۱۹۲۵ ژنو اظهار تأسف کردند.^{۱۲} بدین ترتیب، شورای امنیت برای چندمین بار از یادآوری نام عراق به عنوان آغاز کننده جنگ شیمیایی خودداری کرد و از جنایتهای این کشور چشم پوشید. پس از صدور قطع نامه ۵۸۲، دبیرکل یک هیئت کارشناسی را به ایران اعزام کرد. این هیئت از ۲۶ ماه فوریه تا ۳ ماه مارس سال ۱۹۸۶ در ایران به سر برد، اما از سفر به مناطق جنگی خودداری کرد. با وجود این، در گزارش نهایی خود، اعلام نمود که از تعداد زیاد مصدومان و دامنه وسیع کاربرد سلاحهای شیمیایی، به ویژه فوت یک مصدوم در برابر چشمان اعضای هیئت متأسف و عمیقاً نگران است.



کارگیرنده سلاحهای شیمیایی نام نبرد و تنها با اشاره به اینکه سلاحهای شیمیایی علیه نیروهای ایرانی به کار رفته شده است، به طور غیرمستقیم عراق را محکوم کرد. رژیم بغداد از این بیانیه برآشفست و در پاسخ بدان، مسئله کاربرد سلاحهای شیمیایی را موضوع درجه دوم خواند و ضمن حمله به اعضای شورای امنیت، اعلام کرد: «سازمان ملل درحال انحراف از تاریخ و قدمت چهل ساله خود می باشد و موضع گیری آن نادرست است».^{۱۳} هرچند بدین ترتیب، عراق عدم تمکین خود را نسبت به بیانیه شورای امنیت نشان داد، اما تحت فشار افکار عمومی جهان، تا زمان انجام عملیات والفجر ۸، از به کارگیری سلاحهای شیمیایی علیه نیروهای ایران خودداری کرد.

عملیات والفجر ۸ و توسل مجدد عراق به سلاحهای

شیمیایی

با آغاز عملیات والفجر ۸ در منطقه عمومی فاو در ۲۰ بهمن ماه سال ۱۳۶۴، نیروهای عراقی که توان مقابله با این هجوم حساب شده و منظم نیروهای ایرانی را نداشتند، بار دیگر، به سلاحهای شیمیایی متوسل شدند و یکی از بی سابقه ترین حملات شیمیایی را در تاریخ جنگهای شیمیایی رقم زدند. با ورود نیروهای ایران به شهر فاو و درهم شکسته شدن تمامی ضد حملات ارتش عراق و مهم تر از همه، به محاصره در آمدن گارد ریاست جمهوری این کشور در نزدیکی کارخانه نمک، عراقیها تنها چاره را استفاده از سلاحهای شیمیایی دانستند و از روز آغاز عملیات تا ۱۱ اسفند ماه سال ۱۳۶۴، شدیدترین حملات شیمیایی طول تاریخ را در منطقه عملیاتی والفجر ۸ انجام دادند. آنها طی پانزده روز، بیش از هفت هزار گلوله توپ و خمپاره حاوی مواد شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی مستقر در فاو به کار گرفتند و منطقه عملیاتی را با بیش از هزار بمب شیمیایی بمباران کردند.^{۱۴} باید یادآور شد که مناطق فاو، آبادان و خسروآباد مهم ترین آماج این حملات بودند. شدیدترین حمله شیمیایی در جاده فاو - بصره در ۲۴ بهمن ماه سال ۱۳۶۴ رخ داد که در اثر آن، ۸۴۷۷ تن از نیروهای ایران مصدوم و ۲۳ تن شهید شدند.^{۱۵} در منطقه فاو، غلظت آلودگی به اندازه ای بود که تمامی جانوران، پرندگان و آبزیان منطقه به کلی نابود و درختان خرما و نیزارها پژمرده و خشک شدند. نکته مهم آنکه، در حمله به فاو، عوامل شیمیایی جدیدی همچون گازهای خفه کننده و سیانور نیز به کار گرفته شده بودند؛

جلوگیری کرد. اعزام فوری مصدومان به بیمارستان‌های اروپایی یکی از مهم‌ترین این اقدامات بود. نخستین گروه اعزامی از مصدومان، شامل ۳۷ نفر در ۱۷ ماه فوریه سال ۱۹۸۶ (۲۸ بهمن ماه سال ۱۳۶۴)، به سوئد و دومین گروه شامل ۱۰۷ نفر در ۷ پرواز جداگانه به بیمارستان‌های اتریش، آلمان غربی، سوئیس، بلژیک و انگلستان اعزام شدند.^{۱۸} این اقدام جمهوری اسلامی ایران افکار عمومی جهان را از جنایتهای عراق آگاه کرد و موجی از محکومیت را در افکار عمومی و رسانه‌های گروهی جهان علیه عراق موجب شد. با وجود این، هیچ‌یک از این اقدامات، نتوانست عراق را به خودداری از به کارگیری سلاح‌های شیمیایی در جبهه‌های جنگ وادار کند. این کشور با بی‌اعتنایی به افکار عمومی جهان، تهدید کرد در صورت ادامه جنگ و حملات ایران، همچنان، از گازهای شیمیایی استفاده خواهد کرد؛ چرا که معتقد بود در حال دفاع از خود در مقابل حمله

این هیئت همچنین اعلام کرد که از استعمال گاز خردل یقین حاصل کرده است و در پایان افزود: «کاربرد سلاح‌های شیمیایی در مقایسه با سال ۱۹۸۴، وسیع‌تر بوده است».^{۱۳} دبیرکل سازمان ملل با ارائه گزارش هیئت به شورای امنیت در ۱۶ ماه مارس سال ۱۹۸۶ (۲۵ اسفند ماه سال ۱۳۶۴) اعلام کرد که نمی‌تواند از ابراز تأسف نسبت به این مطلب که نیروهای عراق سلاح‌های شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی به کار گرفته‌اند، خودداری کند.^{۱۴} در همین حال، دولت جمهوری اسلامی ایران قطع‌نامه ۵۸۲ شورای امنیت را قدم مثبتی برای محکوم کردن عراق به عنوان متجاوز و سپس، پایان عادلانه جنگ خواند و از شورای امنیت درخواست کرد تا در راستای انجام وظایف خود، عراق را به عنوان به کارگیرنده سلاح‌های شیمیایی محکوم کند.^{۱۵} به دنبال آن، شورای امنیت برای شنیدن گزارش هیئت اعزامی و دبیرکل در ۲۱ ماه مارس سال ۱۹۸۶ (۱ فروردین ماه سال ۱۳۶۵)

در جریان عملیات والفجر ۸، عراقیها طی پانزده روز، بیش از هفت هزار گلوله توپ و خمپاره حاوی مواد شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی مستقر در فاو به کار گرفتند و منطقه عملیاتی را با بیش از هزار بمب شیمیایی بمباران کردند

ایرانیان است و خود را قربانی حمله نظامی ایران تلقی می‌کند و اعمالش را دفاع مشروع می‌داند.^{۱۹}

جنگ شیمیایی در سال ۱۳۶۵

در سال ۱۳۶۵، حملات شیمیایی عراق به دو علت افزایش زیادی یافت: (۱) افزایش تعداد حملات نیروهای ایران به داخل خاک عراق؛ و (۲) آغاز استراتژی دفاع متحرک عراق. بدین ترتیب، در این سال، تعداد حملات شیمیایی به ۷۹ مورد، یعنی دو برابر سال پیش افزایش یافت.^{۲۰} موقعیت جغرافیایی مناطق بمباران شده نشان می‌دهد که مواضع مورد هجوم در این سال نیز تابعی از مناطق عملیاتی نیروهای ایران بوده است، به طوری که در ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۶۵، با ادامه عملیات والفجر ۸، محور فاو و منطقه عملیاتی آن به شدت هدف حملات شیمیایی قرار گرفت و هوایم‌های عراق بمب‌های حاوی گاز خردل را در منطقه فرو ریختند.^{۲۱} با وجود این، در حملات شیمیایی عراق در سال ۱۳۶۵ استثنایی وجود داشت و آن اینکه استفاده از سلاح شیمیایی به عنوان ابزاری تهاجمی بود. عراق از آغاز سال ۱۳۶۵، با توسل به استراتژی دفاع متحرک از لاک

تشکیل جلسه داد و اعضای شورا، پس از مشورت به ریاست شورا اجازه دادند تا با صدور بیانیه‌ای، مواضع شورای امنیت را درباره کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق اعلام کند. رئیس شورای امنیت با صدور بیانیه ۲۱ ماه مارس سال ۱۹۸۶ (۱ فروردین ماه سال ۱۳۶۵) برای نخستین بار، با یادآوری نام کشور به کارگیرنده سلاح‌های شیمیایی، کاربرد این گونه سلاحها را در جنگ ایران و عراق به شدت محکوم کرد.^{۱۶} بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۶۴ را با موفقیتی سیاسی در صحنه بین‌المللی به پایان برد، اما این موفقیت مانع از ادامه کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جبهه‌های جنگ نشد. و در سال ۱۳۶۴، تعداد مصدومان گازهای شیمیایی به رکورد بی‌سابقه‌ای رسید. در این سال، به رغم اینکه تعداد حملات شیمیایی نسبت به سال پیش افزایش زیادی نداشت، اما آمار مصدومان و شهیدان آن بی‌سابقه بود، چرا که طی ۳۷ نوبت حملات شیمیایی، ۱۰۲۷۳ نفر از نیروهای جمهوری اسلامی ایران مصدوم و ۳۶ نفر از آنها شهید شد، بودند و تعداد مجروحان نیز نسبت به سال پیش از آن، حدوداً نه برابر شده بود.^{۱۷} نکته در خور توجه اینکه، اقدامات احتیاطی نیروهای ایران و افزایش امکانات پزشکی از تلفات بیشتر

خرمشهر، جزیره مینو و جاده خرمشهر را هدف بمباران شیمیایی قرار دادند که شدیدترین آنها در ۴ دی ماه سال ۱۳۶۵ در محور خرمشهر - عریض - شلمچه رخ داد؛ حمله‌ای که طی آن، هواپیماهای عراق با پرتاب بمبهای حاوی گازهای خردل، خون، اعصاب و خفه‌کننده بیش از ۱۱۶۰ نفر از نیروهای ایرانی را مصدوم کردند.^{۲۵} از سوی دیگر، با آغاز عملیات کربلای ۶ در محور سومار، این منطقه نیز در روزهای ۱۰ (دو بار) و ۱۷ ماه دی هدف حملات هواپیماهای عراقی قرار گرفت و دویست تن از نیروهای ایرانی تحت تأثیر عوامل گاز خردل قرار گرفتند.^{۲۶}

در پی این حملات، جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر به دبیرکل سازمان ملل متحد شکایت کرد و اعزام هیئت تحقیق را خواستار شد. در ۱۶ دی ماه، دبیرکل طی بیانیه‌ای، کاربرد سلاحهای شیمیایی را محکوم کرد.^{۲۷} محکومیتی که هیچ تأثیری بر عراق نداشت. با آغاز عملیات بزرگ کربلای ۵ در منطقه عمومی شلمچه، کانال پرورش

دفاعی شکننده خود خارج شد و با حمله به مواضع رخنه‌پذیر نیروهای ایران، بخشهایی از مواضع آنان را به تصرف خود درآورد که مهم‌ترین آنها شهر مهران بود که در ۲۶ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۵ به دست نیروهای عراق افتاد. نیروهای عراق پیش از آغاز تهاجم به مهران، با استفاده از عوامل تاول‌زا و اعصاب منطقه را به شدت آلوده و سپس، این شهر را تصرف کردند. در اثر این حملات شیمیایی، ۱۵۰ تن از نیروهای ایران مصدوم شدند.^{۲۲} این تجربه در سال بعد، کمک شایانی به نیروهای عراقی کرد که در جای خود، به آن پرداخته می‌شود. به هر حال، با تصرف مهران، نیروهای عراقی برای جلوگیری از عملیات تهاجمی نیروهای ایران برای بازپس گرفتن این شهر مواضع تدافعی نیروهای ایرانی را دوبار در ۴ خرداد ماه سال ۱۳۶۵، هدف گلوله باران شیمیایی حاوی مواد تاول‌زا، اعصاب و خردل قرار دادند که در حمله نخست، ۶۰۰ نفر و در حمله دوم، ۱۵۰ نفر از نیروهای ایران مصدوم شدند.^{۲۳} پس از این حملات، به مدت

با آغاز عملیات نصر ۴ در ۱ تیرماه ۱۳۶۶، عراق یکی از فاجعه‌آمیزترین حملات شیمیایی خود را انجام داد و در روز ۷ تیرماه، چهار نقطه شهر سردشت را با استفاده از گاز خردل بمباران کرد که در اثر آن، تعداد زیادی از مردم شهر مصدوم شدند و بیش از ۲۵ تن از آنان جان باختند

ماهی و تصرف آب گرفتگیها و عبور نیروهای ایران از نهر جاسم و نزدیک شدن آنان به تنومه و بصره، نیروهای عراق سراسیمه به بمباران و گلوله باران منطقه عملیاتی و مراکز پشتیبانی نیروهای ایرانی از خرمشهر تا پاسگاه حسینیه با استفاده از عوامل اعصاب، خردل، تاول‌زا، ترکیبهای خردلی و خون، سیانور، خفه‌کننده و ناتوان‌کننده اقدام کردند. در این حملات، به رغم استفاده نیروهای ایران از تجهیزات انفرادی و حضور یگانهای پدافند شیمیایی و پاک‌سازی سریع آلودگیها، بیش از پنج هزار نفر از آنان مصدوم شدند. از جمله در حمله ۲۰ دی ماه در جاده خرمشهر، سه هزار نفر از این نیروها تحت تأثیر گاز خردل قرار گرفتند.^{۲۸} پس از این حمله، عراقیها ۵۲ بار دیگر، مناطق عملیاتی کربلای ۴ و ۵ را از ۲۰ دی ماه تا ۲۷ این ماه هدف حملات شیمیایی قرار دادند که طی آن، حدود هزار تن از نیروهای ایرانی مجروح شدند.^{۲۹} به دنبال این حملات گسترده، جمهوری اسلامی ایران از دبیرکل خواست هیئت تحقیق را به ایران اعزام کند. هیئت تحقیقی در ۸ اسفند ماه سال ۱۳۶۵ به ایران سفر کرد و با تعدادی از اسیران عراقی و مجروحان ایرانی که در اثر بمباران شیمیایی مجروح شده و

سه ماه، به علت رکود در جبهه‌ها به کارگیری گازهای شیمیایی مشاهده نشد تا اینکه در شهریور ماه سال ۱۳۶۵ و آغاز عملیات کربلای ۲ در محور عمومی حاج عمران، ارتش عراق بار دیگر به سلاحهای شیمیایی متوسل شد و در روزهای ۱۳ و ۱۷ شهریور ماه منطقه عملیاتی شیخ صالح در غرب کشور را هدف گلوله‌های حاوی گاز خردل و اعصاب قرار داد که در نتیجه آن، ۱۳۲ تن از نیروهای ایرانی مصدوم شدند.^{۳۴} اوج حملات شیمیایی عراق در سال ۱۳۶۵ همانند سالهای گذشته در زمستان و با آغاز عملیاتیهای بزرگ کربلای ۴ و ۵ اتفاق داد. در ۱۰ دی ماه این سال، اجرای عملیات بزرگ کربلای ۴ در محور جزیره مینو، خرمشهر - آبادان و بلافاصله پس از آن، عملیات کربلای ۵ در شلمچه در ۱۹ دی ماه سال ۱۳۶۵ و هم‌زمان با عملیات کربلای ۶ در محور سومار در غرب کشور سبب شد که یکی دیگر از شدیدترین حملات شیمیایی در جنگ ایران و عراق رخ دهد. با لورفتن عملیات کربلای ۴، نیروهای عراقی حملات شیمیایی خود را به منطقه عملیاتی خرمشهر و شلمچه متمرکز کردند و بیش از ۱۱ بار، این منطقه و مراکز پشتیبانی عملیات در آبادان،

فاجعه شیمیایی در سال ۱۳۶۶

با به بن بست رسیدن جنگ در جبهه‌های جنوب، جمهوری اسلامی ایران به ناچار، استراتژی عملیاتی خود را تغییر داد و کانون اصلی حملاتش را از مناطق جنوبی به مناطق شمالی عراق منتقل کرد. کشاندن نیروهای عراقی مستقر در استحکامات نفوذناپذیر جنوب به جبهه‌های شمال یکی از مهم‌ترین اهداف نظامی ایران بود تا از این طریق، فرصت لازم را برای وارد آوردن ضربات نهایی به آنان به دست آورد، اما ارتش عراق فریب استراتژی نظامی ایران را نخورد و از همان آغاز امر، برای مقابله با حملات نیروهای ایرانی در جبهه‌های شمال به سلاح شیمیایی متوسل شد تا منطقه را به سرزمین سوخته برای ایرانیان تبدیل کند. با آغاز عملیات کربلای ۸ در فروردین ماه سال ۱۳۶۶، نیروهای عراقی، منطقه عملیاتی شلمچه را در روزهای ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ فروردین ماه از زمین و هوا هدف حملات شیمیایی قرار دادند و با استفاده از عوامل تاول‌زا، خردل و خون بیش از ۱۴۰ تن از نیروهای ایران را مصدوم کردند.^{۳۳} با وجود این، مهم‌ترین حمله شیمیایی در فروردین ماه سال ۱۳۶۶ در روز ۲۷ فروردین ماه (۱۶ ماه آوریل سال ۱۹۸۷) در منطقه سلیمانیه و اربیل عراق رخ داد و هوایمهای عراقی با بمباران این مناطق با گاز خردل ۷۰ تن را شهید و ۳۸۰ تن دیگر را مجروح کردند.^{۳۴} با آغاز عملیات کربلای ۱۰ در منطقه ماوت عراق، نیروهای عراقی بار دیگر، به جای روبه‌رو شدن با نیروهای

در بیمارستان بستری بودند، دیدار و گفت‌وگو کردند. در این دیدار، اسیران عراقی تأکید کردند زمانی که در محاصره نیروهای ایرانی قرار داشتند، هدف حملات شیمیایی هوایمهای عراقی قرار گرفتند. هنگامی که از آنها پرسیده شد شما چگونه در حال محاصره، هوایمهای عراقی را تشخیص دادید؟ گفتند که این هوایمها در حال بمباران مواضع نیروهای ایرانی بودند و نیروهای ایرانی با آتش پدافند به آنها پاسخ می‌دادند. هیئت اعزامی همچنین، با یک خلبان عراقی بستری در بیمارستان شهید بقایی اهواز گفت‌وگو کرد. وی نیز اعتراف کرد که هوایمهای به هنگام اصابت موشکها، به بمبهای منفجره شدید مجهز بوده و دو مأموریت بمباران شیمیایی علیه نیروهای ایرانی انجام داده است.^{۳۵} هیئت مزبور پس از بازگشت از ایران، در گزارشی به دبیرکل سازمان ملل، کاربرد مجدد جنگ افزارهای شیمیایی را در جنگ ایران و عراق مورد تأیید قرار داد. دبیرکل این گزارش را طی نامه‌ای به شورای امنیت تسلیم داشت.^{۳۶} اما شورا به آن توجهی نکرد و موضوع را مسکوت گذاشت. این بی‌اعتنایی شورای امنیت در پایان سال ۱۳۶۵ در حالی رخ داد که تعداد حملات شیمیایی عراق در این سال به رقم بی‌سابقه ۷۹ مورد رسیده بود و براساس برخی از اسناد موجود، تعداد مصدومان شیمیایی ایران به دوازده هزار نفر بالغ می‌شد،^{۳۷} اما فاجعه بزرگ تری در راه بود که در سال ۱۳۶۶، روی داد.



عمل کننده ایرانی، به دفاع شیمیایی متوسل شدند و با بمباران منطقه عملیاتی در روز ۱۷ اردیبهشت ماه، از تداوم عملیات و پیشروی نیروهای ایران به عمق خاک عراق جلوگیری کردند.^{۳۵} در پی این حملات، جمهوری اسلامی ایران اعزام هیئت کارشناسی را از دبیرکل سازمان ملل خواستار شد. عراق نیز با ادعای کاربرد سلاح شیمیایی از سوی ایران، درخواست مشابهی را عنوان کرد. هیئت کارشناسی از ۲۲ تا ۲۹ ماه آوریل در ایران و از ۲۹ ماه آوریل تا ۳ ماه می در عراق به جمع آوری شواهد و اطلاعات پرداخت و در ششم ماه می، گزارش خود را به دبیرکل تسلیم کرد. در این گزارش آمده بود: «(۱) نیروهای عراقی بارها از سلاحهای شیمیایی به صورت بمباران هوایی یا حمله موشکی علیه نیروهای ایرانی استفاده کرده اند؛ (۲) غیرنظامیان ایرانی در اثر گازهای شیمیایی مجروح شده اند؛ (۳) پرسنل نظامی عراق بر اثر عوامل شیمیایی جراحتهایی را متحمل شده اند که از گاز خردل و التهاب ریوی ناشی است.»^{۳۶} دبیرکل این گزارش را در ۸ ماه می (۱۸ اردیبهشت ماه) به شورای امنیت فرستاد و در نامه خود به ریاست شورا، با ابراز تأسف از کاربرد سلاحهای شیمیایی، تصریح کرد که نیروهای عراقی بار دیگر از سلاحهای شیمیایی علیه نیروهای ایرانی استفاده کرده اند و وارد آمدن جراحتهایی را به غیرنظامیان در جمهوری اسلامی ایران موجب شده اند.^{۳۷} شورای امنیت سازمان ملل برای رسیدگی به گزارش هیئت کارشناسی و نامه دبیرکل در ۱۴ ماه می سال ۱۹۸۷ (۲۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۶) تشکیل جلسه داد و پس از مشورتهای اعضای شورا، بیانیه ای صادر شد که در آن، آمده بود: «غیرنظامیان در ایران بر اثر سلاحهای شیمیایی مجروح شده اند.»

شورا در پایان بیانیه، بدون آوردن نام عراق، استفاده مکرر از سلاحهای شیمیایی را به شدت محکوم کرد.^{۳۸} پس از انتشار این بیانیه و متوقف شدن عملیتهای تهاجمی نیروهای ایران در داخل خاک عراق، حدود چهل روز از حملات شیمیایی خبری نبود، اما این آرامش پیش از طوفان بود؛ چرا که با آغاز عملیات نصر ۴ در ۱ تیرماه، سال ۱۳۶۶ عراق یکی از فاجعه آمیزترین حملات شیمیایی خود را انجام داد و در روز ۷ تیرماه همین سال، چهار نقطه شهر سردشت را با استفاده از گاز خردل بمباران کرد که در اثر آن، تعداد زیادی از مردم شهر مصدوم شدند و بیش از ۲۵ تن از آنان جان باختند.^{۳۹} در اسنادی که سازمان ملل منتشر کرده، تعداد مصدومان این حمله ۲۵ تا ۸۰ نفر ذکر شده

است که بیشتر آنان را زنان و کودکان تشکیل می دادند.^{۴۰} در پی حمله شیمیایی به شهر سردشت، کاردار ایران در سازمان ملل طی نامه ای به دبیرکل از وی خواست هیئت کارشناسی را برای تحقیق درباره بمباران شیمیایی سردشت به ایران اعزام کند. دکتر ولایتی، وزیر امور خارجه ایران، نیز در نامه جداگانه ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل، این سازمان را فاقد قابلیت برخورد با جنایتهای رژیم عراق دانست و علل تعلل سازمان ملل در اعزام کارشناس به سردشت را مبهم توصیف کرد و یادآور شد که شهر سردشت باید در کنار هیروشیما و ناکازاکی در دایره المعارف و کتابهای تاریخی ثبت شود.^{۴۱} اما تلاشها و درخواستهای جمهوری اسلامی ایران برای اعزام هیئت کارشناسی و بازدید آن از شهر سردشت به نتیجه ای نرسید و ایران، شورای امنیت و دبیرکل را به این متهم کرد که در مقابل جنایتهای عراق در سردشت هیچ اقدامی نکرده اند.^{۴۲} با ادامه سکوت مجامع بین المللی، عراق به حملات شیمیایی خود ادامه داد و ضمن استفاده از سلاحهای شیمیایی در منطقه عملیاتی نصر ۴، ارتفاعات قشن، دوقلو و اسپیدار در روزهای ۸ و ۹ تیرماه سال ۱۳۶۶، روستاهای اطراف سردشت را هدف حملات گسترده شیمیایی قرار داد که در نتیجه این حملات، پانزده تن مصدوم و دو تن دیگر شهید شدند.^{۴۳} پس از این حملات، با حاکم شدن رکود در جبهه های جنگ، از حملات شیمیایی نیز خبری نبود تا اینکه در ۱۶ مهرماه سال ۱۳۶۶ عراق با آغاز حمله به منطقه سومار، از طریق هواپیما، منطقه عملیاتی را با گاز اعصاب هدف قرار داد که در نتیجه آن، صد نفر مجروح شدند.^{۴۴} بعد از این حمله، تا اسفندماه حمله ای انجام نشد؛ اما در این ماه، فاجعه ای اتفاق افتاد که همه جهانیان را تحت تأثیر قرار داد. با آغاز عملیات والفجر ۱۰ در جبهه شمال و تصرف شهر حلبچه، هواپیماهای عراقی با استفاده از عناصر شیمیایی گاز خردل؛ اعصاب و سیانور این شهر و روستاهای اطراف آن را بمباران کردند که در نتیجه آن، بیش از نه هزار نفر تحت تأثیر عوامل شیمیایی قرار گرفتند و پنج هزار نفر از آنان کشته شدند.^{۴۵} در پی این حادثه، روزنامه انگلیسی گاردین، حمله شیمیایی به حلبچه را بزرگ ترین جنایت جنگی عراق در جنگ علیه ایران دانست و نوشت: دو انگیزه وقوع این عمل وقیحانه را موجب شد. یکی ضربه زدن به نیروهای ایرانی در حال پیشروی و دیگری سرکوبی اقلیت مورد غضب کرد.^{۴۶}

در پی حمله شیمیایی به حلبچه، وزارت امور خارجه

شیمیایی سبب شد تا این نگرش در رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی عراق پدید آید که از این سلاحها به منزله جنگ افزار تهاجمی برای بازپس گیری مناطق تحت کنترل نیروهای ایران استفاده کند.

دوره سوم: کاربرد جنگ افزار شیمیایی به منزله یک

سلاح تهاجمی

هر چند سومین دوره استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی به صورت وسیع از ابتدای سال ۱۳۶۷ آغاز شد و تا پایان جنگ ادامه یافت، اما این شیوه به صورت محدود در سال ۱۳۶۵ در استراتژی دفاع متحرک عراق و تصرف مهران به کار گرفته شده بود. در دوره سوم، ارتش عراق موفق شد ضعفهای تاکتیکی خود در شیوه استفاده از گازهای سمی را رفع کند و با دست یابی به عوامل شیمیایی مضاعف یا ترکیبی از آنها به منزله سلاحی تهاجمی برای بازپس گیری مناطق تحت تصرف نیروهای ایران بهره گیرد. به نوشته آویگدور هاسل کورن در کتاب طوفان بی پایان (عراق، سلاحهای سمی و بازدارندگی)، «در آغاز سال ۱۹۸۸، عراقیها دکتترین تعرضی مؤثری را برای استفاده از عوامل اعصاب پدید آورده بودند که جنگ شیمیایی را به طور کامل، در برنامه های آتش پشتیبانی ادغام کرده بود. در تعرضهای نهایی که به شکست ایرانیان در سال ۱۹۸۸ منجر شد، عراقیها هم از گاز اعصاب

ایران از دبیرکل خواست تا هیئتی را برای تحقیق به منطقه اعزام کند،^{۲۷} اما دبیرکل اعلام کرد از آنجا که حلبچه جزء قلمرو ایران نیست، مانع حقوقی برای اعزام هیئت تحقیق به این شهر وجود دارد.^{۲۸} بدین ترتیب، بزرگترین جنایتهای جنگی عراق در شورای امنیت نادیده گرفته شد و سال ۱۳۶۶، در حالی پایان یافت که فاجعه حلبچه به مبحث روز رسانه های گروهی جهان تبدیل شده بود.

با پایان یافتن سال ۱۳۶۶، دوره دوم کاربرد سلاحهای شیمیایی عراق در جنگ با جمهوری اسلامی ایران که از مرداد ماه سال ۱۳۶۱ هم زمان با آغاز نخستین عملیات نفوذی نیروهای ایران به داخل خاک عراق - عملیات رمضان - آغاز شده بود، به پایان رسید. همان طور که گفته شد استفاده عراق از جنگ افزارهای شیمیایی در نقش یک سلاح تدافعی که به کمک آن، عملیتهای تهاجمی نیروهای ایران به داخل خاک عراق متوقف شود، مهم ترین ویژگی این دوره بود. در طول این مدت، عراق بیش از ۲۳۰ بار از حملات شیمیایی که در مجموع، حدود ۴۴ هزار نفر تلفات در پی داشت،^{۲۹} علیه نیروهای ایران یا مراکز پشتیبانی آن استفاده کرد و موفق شد از پیروزی قاطع نیروهای ایران در میدان جنگ جلوگیری کند و آنها را از رسیدن به اهداف از پیش طراحی شده باز دارد یا دست یابی بدانها را به شدت مشکل کند. از سوی دیگر، این موفقیت عراق در استفاده از سلاح



جنگ دست یابند.

نتیجه‌گیری

استفاده عراق از جنگ افزارهای شیمیایی در طول هشت سال جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران و سکوت و بی‌اعتنایی مجامع بین‌المللی در قبال آن، چند درس اساسی را به همراه داشت:

۱) هر چند تحولات گسترده‌ای در قوانین و مقررات بین‌المللی درباره منع به کارگیری سلاحهای کشتار جمعی در جهان رخ داده است، اما این قوانین و مقررات همچنان، فاقد ضمانت اجرایی کافی و وافی هستند و اتکای صرف به افکار و وجدان عمومی نمی‌تواند مانع از استفاده از این گونه سلاحها در جنگها شود.

۲) جنگ ایران و عراق نشان داد که سلاح شیمیایی به منزله سلاح ارزان و قابل دسترس می‌تواند در هر کشوری با کمترین امکانات آزمایشگاهی تولید شود و در خدمت نیروهای مسلح یا تروریستها قرار گیرد؛ بنابراین، تلاش گسترده‌ای صورت گرفت تا آمادگی دفاعی برای مقابله با جنگ شیمیایی در سازمان رزم ارتشهای دنیا طراحی و تعریف شود.

۳) در طول جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، بسیاری از کشورهای غربی از جمله آلمان، امریکا، انگلستان، فرانسه،

و هم از عوامل تاول‌زا به گونه‌ای موفقیت‌آمیز بهره گرفتند. در این نبرد، سلاحهای شیمیایی مشخصاً، قرارگاههای فرماندهی و کنترل، مواضع توپخانه و مناطق لجستیکی را هدف قرار می‌دادند.^{۵۰} در این دوره، حمله‌ای که در آن، عراق از سلاحهای شیمیایی به منزله سلاحی تهاجمی استفاده کرد، عملیات توکلنا علی‌الله نیروهای این کشور در فاو در ماه آوریل سال ۱۹۸۸ بود و در آن، از گاز خردل، اعصاب و سیانور استفاده شد. نیروهای عراقی با استفاده گسترده از این گونه سلاحها به منزله آتش پشتیبانی نیروهای عمل کننده خود موفق شدند در خلال چند ساعت، بندر فاو را از دست نیروهای ایران خارج کنند.^{۵۱} منابع خارجی تعداد تلفات نیروهای ایرانی را در این حمله پنج هزار تن دانستند که مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد.^{۵۲} دومین حمله عراق در ماه می سال ۱۹۸۸ در منطقه عملیاتی کربلای ۵ در شلمچه رخ داد که طی آن، عراقیها با توسل به گازهای شیمیایی موفق شدند نیروهای ایران را از بخشی از مناطق تحت کنترل عقب برانند. در این عملیات، از عوامل گاز خردل و اعصاب به طور گسترده استفاده شد.^{۵۳} در ماه بعد، عراقیها با دو حمله هم‌زمان در مهران و جزایر مجنون، بارانی از گازهای شیمیایی را روی نیروهای ایران ریختند و آنان را به تخلیه مواضع خود در داخل خاک عراق مجبور کردند.^{۵۴} بدین ترتیب، نیروهای عراقی موفق شدند با اتکا به پشتیبانی جنگ افزارهای شیمیایی، دوباره به برتری در جبهه‌های



15. S/17831.
16. S/17432.
۱۷. فوزی؛ پیشین؛ ص ۹۰.
۱۸. اسناد سازمان ملل در بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزشهای دفاع مقدس، پرونده سلاحهای شیمیایی، ش ۳۱.
۱۹. همان؛ ص ۸۲.
۲۰. آویگدور؛ پیشین؛ ص ۳۷۱.
21. U.N. Yearbook, 1986. P.P 232.234.
۲۲. علایی؛ پیشین؛ ص ۲۶.
۲۳. همان.
24. S/18322.
25. S/19821.
۲۶. علایی؛ پیشین؛ ص ۲۶.
27. S/18553.
۲۸. آویگدور؛ پیشین؛ ص ۳۷۱.
۲۹. علایی؛ پیشین؛ صص ۲۶-۲۷.
30. U.N. Yearbook, 1987. P. 232.
31. *ibid.* 233.
32. S/19821.
۳۳. آویگدور؛ پیشین؛ ص ۳۷۱.
34. S/S 19821. P. 17.
35. S/18806.
36. S/18852.
3. U.N. Yearbook, 1987. P. 233.
38. S/18863.
۳۹. گزارش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سردشت، ۱۳۶۶/۴/۱.
40. S/19821.
۴۱. اسناد بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزشهای دفاع مقدس، پرونده سلاحهای شیمیایی، تیرماه ۱۳۶۶.
۴۲. همان.
43. S/19821, P.22.
۴۴. علایی؛ پیشین؛ ص ۳۰.
45. U.N. Yearbook, 1988. P. 184.
۴۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه ویژه، ۱۳۶۶/۱۲/۲۸.
47. S/19650.
۴۸. اسناد بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزشهای دفاع مقدس، پرونده کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ ایران و عراق.
۴۹. پیشین.
۵۰. آویگدور؛ پیشین؛ ص ۳۹۰.
۵۱. آویگدور؛ پیشین؛ ص ۳۷۱.
۵۲. آویگدور؛ پیشین؛ ص ۳۷۱.
53. S/19886.
54. U.N. Yearbook, 1988. P. 185.

شوروی، ایتالیا، و ... که از طراحان پروتکل ۱۹۲۵ ژنو هستند، در تجهیز عراق برای تولید گازهای شیمیایی نقش داشتند. علت این همکاری را می توان در دو نکته خلاصه کرد: الف) حمایت از عراق در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ؛ و ب) کسب سود و نفع طلبی.

۴) در جنگ ایران و عراق بار دیگر این نکته در بوتۀ آزمون قرار گرفت که دست یابی به سطحی از بازدارندگی تنها راه مقابله با دشمن تا دندان مسلح، است؛ عاملی که می تواند تمام جنبه های نظامی حتی استفاده از سلاحهای شیمیایی را شامل شود. در واقع، عراق زمانی به استفاده هر چه بیشتر از گازهای سمی ترغیب شد که پی برد جمهوری اسلامی ایران سلاحی برای دفاع از خود یا مقابله به مثل ندارد.

یادداشتها

1. U.N. Yearbook, 1985, P. 247.
۲. سیدقاسم زمانی؛ حقوق بین الملل و کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، ۱۳۷۶، ص ۷.
۳. روابط عمومی فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ مروری بر پنجمین سال جنگ تحمیلی؛ تهران: انتشارات سپاه، ۱۳۶۴، ص ۶۱.
۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴/۷/۲۰، ص ۳۹ (اعلامیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران).
5. S/17127.
6. S/17130.
7. S/17225.
۸. یحیی فوزی؛ «جنگ شیمیایی در جنگ ایران و عراق» انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین الملل؛ تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۹۱.
۹. آویگدور هاس کورن؛ طوفان بی پایان، سلاحهای سمی و بازدارندگی؛ ترجمه عباس مخبر؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۹، ص ۳۷۱.
۱۰. زمانی؛ پیشین؛ ص ۷۵.
11. U.N. Yearbook, 1986. P. 283.
۱۲. حسین علایی؛ جنگ شیمیایی، تهدید فزاینده؛ تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷، صص ۲۱۸-۲۱۷.
13. S/17411.
۱۴. اسناد سازمان ملل، در بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزشهای دفاع مقدس، گزارش دبیر کل. ۱۶ مارس ۱۹۸۶.